

نحوه فعال کردن دانش آموزان در کلاس علیرضا عصاره

گفته اند که: معلمی کار انبیاست و درست گفته اند زیرا رسولان با بهره گیری از هنر والای «صیوری»، «فرزانگی» و «معنویت»، انسان را از آنچه که «بوده» بدانچه که باید «باشد» سوق داده اند. بزرگترین شاخصه کار انبیا «هنر» معلمی آنهاست، زیرا معلم معماری است که رسالتش تبدیل وضع موجود به وضع مطلوب است و این کار «پروسه عظیم» ساخت انسانهاست. این «ساخت»، ظهور تمدنها، پیشرفت ها و دستاوردهای عالی انسانی را به همراه داشته است. معلم هرچه هنرمندتر باشد، خلق آثارش زیباتر و شگرف تر می نماید. راهی که معلم برای رسیدن از وضع موجود به وضع

مطلوب طی می کند همچون کار معمار برجسته ای می ماند که با درانداختن طرحی نو اثری زیبا، با امکانات محدود خلق می نماید. توفیق بیش از پیش معمار، به علم و اطلاعاتش از حرفه معماری و کسب تجربه های فراوان او در کارش وابسته است معلم هم به سیاق معمار، علم و اطلاعاتش از حرفه معلمی و کسب تجربه های فراوان، از او «هنرمندی» خلاق و کارآمی آفرینند. از هنرهای بزرگ معلمی و شاید اصلی ترین هنرها «هنر» فعال نمودن دانش آموز در انجام فعالیت های تربیتی است. چگونه می توان دانش آموز را فعال نمود؟ فعالیت دانش آموز چه

تأثیری بر فرآیند یادگیری او دارد، چه عواملی در نحوه فعال کردن دانش آموز نقش دارند، نوع مطلوب فعالیت برای دانش آموز کدام است؟ منظور از فعال کردن دانش آموز در کلاس آن است که چه تمهیداتی باید بکار گرفته شود تا فراگیر مطلوبترین بازدهی را از نظر فرآیند یادگیری کسب نماید. در تعریف برنامه ریزی درسی گفته شده است: «برنامه ریزی فرصت های یاددهی - یادگیری به منظور ایجاد و تغییرات مطلوب و ارزیابی میزان تحقق این تغییرات»^۱ بنابراین هدف برنامه های درسی ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار، بینش و عملکرد افراد براساس اهداف تربیتی می باشد. طبق چنین تعریفی هرچه میزان تحقق اهداف یا تغییرات مطلوب بیشتر باشد هدف تربیتی (آموزشی، درسی) بیشتر محقق گردیده است. در شیوه های نوین یادگیری، از نوعی یادگیری فعال یاد می شود، در تعریف این نوع یادگیری گفته شده است که: فراگیر در این نوع یادگیری خود مستقیماً مشارکت داشته و برای رسیدن به هدف، خود، نقش اصلی و تعیین کننده را به عهده دارد. معلم، کتاب، آزمایشگاه، جامعه و تمامی امکانات یادگیری در اختیار فراگیر هستند تا او خود با تلاش و فعالیتش به کسب تجربه و فراگیری نائل گردد. این نوع یادگیری که با فعالیت مستمر و مشارکت فعالانه دانش آموز حاصل می گردد یادگیری معنی دان، بادوام و ارزشمندی است که همواره فراگیر از آن در زندگی عملی و اجتماعی خود بهره می گیرد. جان دیوئی و پیائزه از یادگیری فعال به معنای مشارکت همه جانبه فراگیر در شکل و

*** تمامی امکانات یادگیری در اختیار فراگیر هستند تا او خود با تلاش و فعالیتش به کسب تجربه و فراگیری نائل گردد.**

*** مربیان تعلیم و تربیت معتقدند چنانچه فرد در خصوص موضوعی تجربه داشته باشد یادگیری درباره آن موضوع پایدار، بادوام و معنی دار خواهد بود.**

فرآیند یادگیری حمایت نموده اند. دیوئی از آن به عنوان حل مسئله و پیازه آنرا تجربه متقابل فرد و محیط اطرافش یاد نموده اند.

از مطالب بالا معلوم می شود هر نوع یادگیری که فعالیت مستمر فرد را در فرآیند فراگیری تسهیل و امکان بیشتر مشارکت فراگیر را میسر سازد میزان تحقق اهداف تربیتی (آموزشی و درسی) را بیشتر و نتیجه مطلوبتری حاصل خواهد نمود.

اکنون باید دید چه عواملی در فعالیت فرد به منظور دستیابی او به یک هدف درسی و تربیتی مؤثر بوده و امکان یادگیری فعال را فراهم می نمایند؟

عوامل مؤثر در فعالیت فرد در کلاس

۱ - معلم و «هنر» معلمی: تجربه نشان داده است که هرگاه دانش آموزان نسبت به معلم خود اقبال نشان دهند و به او علاقه مند باشند به درس و تکالیف او هم علاقه مند بوده و با تلاش و سعی فراوان در جلب رضایت او می کوشند برعکس هرگاه دانش آموزان از معلمی احساس عدم امنیت نموده و از او گریزان باشند نسبت به درس او نیز بی علاقه و گاهی متنفرند، و تلاشی برای جلب رضایت معلم و انجام تکالیف او انجام نمی دهند، هنر معلمی در چنین مواقعی ایجاب می نماید در جهت جلب رضایت و توجه دانش آموزان، ایجاد انگیزش و علاقه مندی در آنها اقدام نماید، معلم هنرمند معلمی است که

از محیط کلاس و شرایط درس چنان موقعیتی جاذب و فرح انگیز ایجاد نماید که دانش آموزان برای رسیدن نوبت و موقع کلاس اول لحظه شماری کنند. معلم باید با دانش آموزان رفیق و محرم اسرار آنان باشد، البته وجود چنین رفتاری نباید با روح ابتهت و اقتدار معلم مغایرت بیابد و دانش آموز ضمن علاقه مندی باید سیطره و ابتهت معلم را هم در ذهن داشته باشد.

۲ - رفتار ورودی: در یادگیری، اصلی وجود

دارد و آن اینکه هر تجربه جدید باید بر تجارب گذشته فرد بنا شود به عبارت دیگر آنطور که دیوئی می گوید تجدید سازمان تجربه^۲، یادگیری جدید را فراهم می آورد و به گفته پیازه سازماندهی و تجدید سازماندهی تجارب^۳، یادگیری جدید را باعث می شود. مربیان تعلیم و تربیت معتقدند چنانچه فرد در خصوص موضوعی تجربه داشته باشد یادگیری درباره آن موضوع پایدار، بادوام و معنی دار خواهد بود. به همین دلیل امروزه در کلاسهای ابتدایی به جای شروع از تکرار حروف بی معنی الفبا از طریق ساخت کلمات معنی دار مثل «آب»، «نان» و اشیایی که کودک نسبت به آنها تجربه دارد، یادگیری انجام می شود. بنابراین شروع هر نوع یادگیری باید با توجه به تجارب و دانسته های قبلی فرد و متکی به آنها صورت پذیرد. به همین نسبت چنانچه فردی مطلبی را بداند و معلم بدون توجه به آن، دو مرتبه آن موضوع را تدریس نماید جز خستگی و کسالت برای فراگیر حاصلی به همراه نخواهد داشت، پس در اولین اقدام در شروع درس، معلم آگاه باید رفتار ورودی کلاس را در خصوص موضوع مورد تدریس ارزیابی نماید. رفتار ورودی نشان می دهد که دانش آموزان در خصوص موضوعی که قرار است فراگیرند چقدر اطلاع و تجربه دارند، و معلم هوشیار با استفاده از همان تجارب و آشنایی فراگیران پایه بعدی آموزش را بدون آنکه آنها از تکرار مجدد خسته شوند و یا اینکه از بی اطلاعی

محض، «موضوع جدید» را متوجه نشوند بنا می نماید.

۳ - ایجاد انگیزش و رغبت لازم در

فراگیر: بعضی از موارد در پروسه یادگیری به هنر معلمی بستگی دارد و از آن جمله ایجاد زمینه تمایل و رغبت در فراگیر به منظور جلب نظر او به موضوع یادگیری است، اینکه در اینجا ذکر شود چه موضوع خاصی در چه دانش آموزی عامل رغبت و انگیزش را فراهم می آورد ممکن نبوده و نمی توان فرمول خاصی را ارائه کرد، این معلم و هوشیاری و تدبیر اوست که می تواند برای مطالب خاصی که می خواهد ارائه نماید انگیزش متناسب را فراهم سازد، آنچه اساسی است، آن است که فراگیر مادام که با علاقه و رغبت لازم در امر یادگیری مشارکت ننماید، فعالیت لازم را به منظور کسب تجربه جدید سازماندهی نکنند، یادگیری معنی دار بوقوع نمی پیوندد. هرسنی و هر مطلبی در شرایط خاص خود، به نوعی انگیزش متناسب به خود نیازمند است. مثلاً معلم کلاس اول از هنر دوستی با بچه ها و الگوسازی خود در نقش پدر و مادر و کسب اعتماد فراگیران، همبازی شدن با آنها و نهایتاً جلب نظرشان به اینکه در پایان سال آنها قادرند هرداستان و مطلبی را در کتابها و مجلات مخصوص خود بخوانند و برای تمام دوستانشان در هر کجا نامه بنویسند می تواند در بچه ها انگیزش لازم را ایجاد نماید، اما برای دبیرستان یا راهنمایی ایجاد انگیزش باید به گوشه ای دیگر باشد، مثلاً با طرح سوالی که پاسخ آن کلید موضوع درس است و قرار دادن جایزه ای در صورت ارائه پاسخ صحیح به آن (مثلاً اضافه نمودن یک نمره به نمره امتحان) یا فراغت از یک هفته انجام تکالیف و... کلیه فراگیران رغبت و انگیزش لازم را برای انجام فعالیت فکری و مشارکت در یادگیری حاصل می نمایند. در هر حال از تمامی تدبیرها و ترفندهای لازم به منظور جلب نظر، و ایجاد رغبت و انگیزش باید بهره گرفت و سود برد.

۴ - تناسب مطالب با رشد هوشی و شناختی دانش آموز:

روانشناسان تربیتی اعتقاد دارند چنانچه مطلب ارائه شده متناسب با سن هوشی فراگیر نباشد، نه تنها فرد در انجام یادگیری از خود فعالیتی نشان نمی دهد بلکه، به دلیل خستگی فکری و جسمی ناشی از عدم درک مطلب، زمینه آزرده گی روحی و در نتیجه نوعی تنفر نسبت به درس و کلاس در او هویدا می شود، ریشه بسیاری از بی نظمی ها و مزاحمت های کلاسی را می توان در این امر جستجو نمود، خوشبختانه با ارائه نظرات ارزشمند ژان پیاژه در خصوص مراحل رشد هوشی و شناختی افراد بشر و بهره گیری از این نظرات در برنامه ریزی درسی مدارس تا حدودی این مشکل مرتفع گشته و بخصوص در آموزش و پرورش ابتدایی فراگیران به تناسب رشد شناختی خود با مطالب درسی مواجه می شوند. در هر صورت مربی باید متوجه باشد که چنانچه فراگیر در یادگیری خود با مطلب متناسب با رشد هوشی خود مواجه باشد رغبت، تمایل و مشارکت و فعالیت او، «مطلوب» و یادگیری معنی دار خواهد بود.

۵ - ارتباط مطالب با حوزه بصری فراگیر و امکان انتقال مطالب به محیط اجتماعی:

هرگاه فراگیر واقعاً احساس نماید که مطالبی را که فرا می گیرد در رفع مشکلات اجتماعی و شغلی او مؤثر خواهد بود و یا اینکه قادر خواهد بود آنها را در حوزه اجتماعی خود تجربه کرده و بکار بندد و یا اینکه مطالبی که فرا

می گیرد در حوزه بصری و تجربی اجتماعی او وجود دارد، میزان فعالیت و مشارکت و رغبت او در امر یادگیری آن مطالب بسیار افزایش خواهد یافت. برعکس هرچه مطالب نظری و امکان تجربه و بکاربندی آنها غیرممکن باشد فراگیر باز خورد Feed back و عکس العمل و علاقه لازم را در یادگیری نشان نمی دهد به همین دلیل مربیان برنامه ریز درسی و آموزشی اعتقاد دارند کار برنامه ریزی درسی نباید متمرکز و برای تمامی فراگیران با اقلیمهای مختلف و شرایط اجتماعی و اقتصادی متفاوت به یک صورت باشد، بلکه در منطقه ای که وجود دریا، عوامل اقتصادی و محیطی کشتی، صید، صنایع کشتی سازی و کنسروسازی، خانه سازی، پوشیدن لباس و... شکل خاص خودش را می طلبد، برنامه ریزی آموزشی بر همین اساس یعنی تجارب بصری و محیطی افراد سازمان یابد و در جایی که محیطی کشاورزی است و درخت و میوه و آب و هوای کوهستانی و خانه های متناسب با آنها، دامپروری و پروار بندی، صنایع لبنیات و...، برنامه ریزی

خاص خود را می طلبد، اکنون در کشورهای چون استرالیا که از وجود اقلیمهای مختلف جغرافیایی برخوردارند و کار برنامه ریزی درسی هم از رشد و توسعه مطلوبی برخوردار است برنامه ریزی درسی به شکل غیرمتمرکز و منطقه ای انجام می گردد، از چنین الگوهایی در برنامه تغییر نظام نوین آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران استفاده گردیده است.^۵

۶ - بهره گیری از کلیه امکانات آموزشی به منظور فراگیری:

تجارب روانشناسان نشان داده است که انسان ذاتاً تنوع طلب می باشد و از محیط یکنواخت و ثابت، خسته و کسل و آزرده می گردد یادگیری و انجام فعالیت به منظور آن در محیط یکنواخت کلاس بهره لازم را بدست نمی دهد. گاهی ارائه مطلبی در محیطی آزاد مشارکت فراگیران را در فعالیتهای یادگیری چند برابر می کند، حضور دانش آموزان در کارگاهها و آزمایشگاهها غیر از تنوع در محیط، امکان رشد حوزه بصری آنها و فعالیت یدی و جسمی آنها را فراهم ساخته و عملاً یادگیری را فعال می نماید. بهره گیری از وسایل آزمایشگاهی و کارگاهی و یا هر وسیله ای که با تجربه بصری فراگیر آشنا باشد در کلاس درس باعث تحریک کنجکاوی فراگیر شده و رغبت تمایل آنها را در یادگیری افزایش می دهد. بهره گیری از تکنولوژی آموزشی، فیلم های آموزشی، فسیلها، سندها و مدارک عینی، هم در راستای تنوع طلبی فرد ارزشمند است و هم



*** چنانچه امنیت لازم به منظور حمایت از ابراز وجود افراد به عمل آید، این امر هم بر شخصیت فردی و اجتماعی دانش آموز تأثیر مثبت خواهد داشت و هم در فعالیت و تلاش و در نتیجه رشد آموزشی و درسی او.**



*** بهره گیری از وسایل آزمایشگاهی و کارگاهی و یا هر وسیله ای که با تجربه بصری فراگیر آشنا باشد در کلاس درس باعث تحریک کنجکاوی فراگیر شده و رغبت و تمایل آنها را در یادگیری افزایش می دهد.**

فعالیت فراگیر در یادگیری را مطلوب می سازد.

۷ - آزمون های مکرر و تلاش به منظور اصلاح اشکالات آموزشی:

همچنانکه قبلاً گفته شد برنامه ریزی درسی یعنی برنامه ریزی فرصت های یاددهی، یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب و ارزیابی میزان تحقق چنین تغییراتی، براساس اهداف تربیتی از طریق آزمون ها تعیین می گردد، انجام آزمون هم برای فراگیر سودمند و نافع است زیرا که او نارسایی ها و اشکالات خویش را از یافته هایش می فهمد و هم برای مربی ارزشمند است تا تأثیر تلاش خویش را در ایجاد تغییرات مطلوب در فراگیران دریابد، بنابراین بلافاصله بعد از نتیجه ارزیابی باید تلاش های فراگیران و مربیان به منظور رفع اشکالات و نارسایی های موجود شروع شود هرچه تعداد آزمونها بیشتر باشد، در نتیجه فاصله و زمان برای فراگیر و مربی به لحاظ اصلاح و رفع اشکالات کمتر و تلاش و کوشش آنها به منظور دستیابی به تحقق اهداف تربیتی، بیشتر و سریعتر می گردد.

۸ - انجام تکالیف متناسب و نحوه کنترل بازرسی و اصلاح آنها:

تحقیقات مفصل و دامنه داری در خصوص تأثیر تکلیف شب بر رشد آموزشی فراگیران در سراسر جهان بعمل آمده است حاصل این تحقیقات نشان می دهد که چنانچه به مقدار متناسب و با برنامه مدونی تکلیف به فراگیر

داده شود بر رشد آموزشی آنها مؤثر است^۶ همچنین تحقیقات نشان داده است چنانچه این تکالیف مورد کنترل و ارزیابی قرار گرفته و اصلاح شوند و فراگیر دائماً بداند که تکالیفش مورد توجه و بازبینی مربی قرار خواهد گرفت، این امر به روند فعالیت آموزشی او در کلاس و رشد درسی او منجر خواهد شد.^۷

۹ - انجام مسابقات علمی، هنری و المپیادهای مختلف علمی، ورزشی و هنری و تشویق مؤثر فراگیران:

فراگیران به رغبت ها و علائق جامعه خود واکنش مثبت نشان می دهند، چنانچه دانش آموزان بدانند جامعه خانوادگی، آموزشگاهی و یا کل جامعه آنها به حضور و پیروز شدن آنان در مسابقات علمی، هنری، ورزشی و... توجه خاصی نشان می دهد با علاقه ای وافر در فعالیتهای مربوطه حاضر شده و برای احراز موفقیت تلاش می نمایند. لازم است در اینجا گفته شود که انسانها دارای استعداد های مختلف و خدادادی در زمینه های گوناگون می باشند اما هر کسی در یک یا دو رشته خاص استعدادی شاخص دارد بنابراین مربی و والدین باید با شناخت چنین استعدادهایی حمایت ها و تشویق های لازم را برای بهره گیری از چنین استعدادی فراهم ساخته و با مساعد نمودن زمینه رقابت سازنده علمی یا هنری یا ورزشی، امکان مشارکت و فعالیت فراگیر را فراهم آورند.

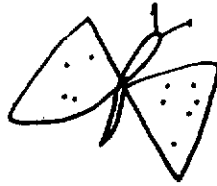
۱۰ - احساس امنیت در کلاس و شرایط ابراز وجود

ابراز وجود یکی از اختصاصات و نیازهای روانی انسانهاست، چنانچه محیط مناسبی به لحاظ ابراز وجود انسانها در هر جامعه ای تحقق یابد، رشد شخصیت ها و باروری استعدادهای به شکل مؤثری بالا خواهد رفت، بخصوص در کلاسهای درس چنانچه امنیت لازم به منظور حمایت از ابراز وجود افراد به عمل آید، این امر هم بر شخصیت فردی و اجتماعی دانش آموز تأثیر مثبت خواهد داشت و هم در فعالیت و تلاش و در نتیجه رشد آموزشی و درسی او، بنابراین یکی دیگر از هنرهای معلمی تقویت احساس امنیت در کلاس به لحاظ ابراز وجود دانش آموزان می باشد. معلم با درایت، باید به بهترین شیوه چنین احساسی را تقویت و به هیچوجه از اینکه دانش آموزان ممکن است پاسخهای غلط به سؤالات داده یا وقت کلاس را تلف نمایند نگران نباشد بلکه برعکس با تقویت روحیه حضور در جمع و ابراز نظرات، زمینه مشارکت فعال فکری و آموزشی آنها را فراهم و اشکالات احتمالی آنها را با تدبیر و زیرکی مرفوع نمایند.

۱۱ - هدف، ساخت

انسان موجودی هدفدار است، از اینکه سمت و سوی حیاتش مشخص باشد خوشحال و چنانچه بی نظمی و سردرگمی برزند گیش حاکم باشد آزرده خاطر و نگران خواهد شد. روانشناسان شناختی در آزمایشات خود روشن

*** چنانچه فراگیر در یادگیری خود با مطلب متناسب با رشد هوشی خود مواجه باشد رغبت، تمایل و مشارکت و فعالیت او، مطلوب و یادگیری معنی دار خواهد بود.**



همچنین یادگیری و آموزش کلمات جدید در ساخت جملات بسیار مناسب تر و مؤثرتر صورت می گیرد، بنابراین چنانچه مربی در آموزش خود هدف از موضوع تدریس را روشن و ارتباط آن را در عملکرد کلی درس روشن سازد و نیز چنانچه موضوع تدریس در یک ساخت کلی و قابل درک ارائه گردد مشارکت فراگیران در یادگیری و فعالیت و تلاش آنان بیشتر خواهد شد.

● پی نوشتها:

- ۱ - لوی، الف «مبانی برنامه ریزی آموزشی، برنامه ریزی درسی» ترجمه فریده مشایخ
- ۲ - شریعتمداری علی «روانشناسی تربیتی»
- ۳ - همان منبع
- ۴ - سیف علی اکبر، «روانشناسی پرورشی»
- ۵ - کلیات تغییر نظام نوین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی سال ۱۳۶۷
- ۶ - قورچیان، نادرقلی سیمای «بزهش در خصوص تکلیف شب در جهان امروز» فصلنامه تعلیم و تربیت سال هشتم شماره ۲۰ تابستان ۱۳۷۱
- ۷ - مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش آموزانی که تکالیفشان کنترل می شود با دانش آموزانی که تکالیفشان کنترل نمی شود «تحقیق دانشگاه آزاد شهرستان دزفول»
- ۸ - بیلر، رابرت «کاربرد روانشناسی در آموزش» جلد اول ترجمه دکتر بروین کدیور ص ۲۶۱
- ۹ - همان منبع ص ۲۴۷

نموده اند که کودکان در هنگامی که اشکال ناتمام یا داستانهایی نیمه تمام در مقابلشان قرار می گیرد تمایل دارند این اشکال یا داستانه را کامل نمایند این اصل در روانشناسی گشتالت به نام اصل بستگی مشهور است.^۸ فردی که در کار روزانه هدفی را دنبال نمی کند و یا احساس بی کاری و بطلانت می نماید بدون آنکه خود متوجه باشد از درون نگران است برعکس فردی که کارهایش هدفدار و براساس نظم و برنامه قبلی انجام یافته از درون خوشحال و با نشاط است بر همین اساس چنانچه دانش آموز، هدف از آموزش و درس خود را بداند و متوجه نوع استفاده و عملکرد یادگیری باشد، در فعالیت به منظور کسب آن مشارکت و تلاش مؤثری خواهد نمود. همچنین روانشناسان آموزشی از جمله جروم برونر^۹ معتقدند چنانچه موضوع تدریس در یک قالب و ساخت به هم مرتبط ارائه گردد چون درک یک مجموعه و ساخت برای ذهن انسان معنی دار می باشد بنابراین جزئیات در چنین ساختی بهتر و کاملتر درک و قابل فهمند، به عنوان مثال برای آموزش حروف (آوب) چنانچه کلمه آب که یک ساخت معنی دار است آموزش داده شود یادگیری حروف نیز بهتر انجام می گیرد

